

# طلاق، بعد از نجات مادرشوهر

## مشکلات خود را با اطرافیان در میان نگذارید

**ساراشقاقی، روان‌شناس در این خصوص می‌گوید:** دخالت در زندگی زناشویی یکی از مشکلاتی است که زوج‌های زیادی با آن درگیر هستند. به خصوص زن و شوهرهایی که تازه ازدواج کرده‌اند و زندگی مشترک‌شان را آغاز کرده‌اند. دخالت‌های بی‌جای اطرافیان و فامیل، زندگی را برای برخی زوج‌ها مشکل‌ساز کرده است. در این میان خانواده و اطرافیان تصور می‌کنند که این دخالت‌ها می‌تواند به خیر و صلاح زوج باشد اما برعکس است چرا که ممکن است این دخالت‌ها به حدی برسد که باعث جدایی زن و شوهر از یکدیگر شود. معمولاً مهم‌ترین دلیل دخالت اطرافیان، فاش کردن مشکلات زناشویی، آشنا نبودن زوج‌ها با زندگی مشترک و اختلاف و درگیری بین خانواده‌هاست. دخالت اطرافیان معمولاً از طریق فاش کردن مشکل و اختلاف توسط زوج‌ها پیش می‌آید. قطعاً مشکل و اختلاف در هر رابطه‌ای وجود دارد. تفاوت سلیقه و فرهنگ همیشه به وضوح در هر رابطه‌ای دیده می‌شود. زن و شوهر باید خودشان از پس حل این اختلافات و تفاوت‌ها بربایند اما برخی زوج‌ها، مشکلات و اسرار خود را با اطرافیان و خانواده در میان می‌گذارند. آنها تصور می‌کنند خانواده یا اطرافیان می‌توانند مشکلات آنها را برطرف کنند. در صورتی که این مساله به هیچ عنوان درست نیست بلکه می‌تواند تأثیرات منفی هم داشته باشد. اگر زوج‌ها نمی‌توانند از پس اختلافات‌شان بربایند، بهترین کار در این مواقع مراجعه به افراد متخصص مانند روان‌شناس است.

مادرشوهرم سه ماه در کما بود. شوهرم هم هر روز حال روحی‌اش بدتر می‌شد. با این حال کنارشان بودم و سعی کردم هر طور شده شوهرم را آرام کنم. چند وقت پیش مادرشوهرم از کما خارج شد. حالش هم رو به بهبود رفت. شوهرم از این وضعیت خیلی خوشحال شد. من هم از این که مادرشوهرم سلامتیش را به دست آورد خیلی خوشحال شدم ولی تصمیم گرفتم کارهای طلاق را دوباره پی بگیرم چون می‌دانم شوهرم عاشق مادرش است و مطمئنم بعد از این دوباره زندگی‌مان به میدان جنگ تبدیل خواهد شد. در این مدت فقط سعی کردم شوهرم را درک کنم اما حالا که حال‌شان خوب است، دیگر نیازی به ادامه این زندگی نیست. در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی همسرم مرا درک نمی‌کند. من و مادرم به شدت به هم وابسته‌ایم و من تنها فرزند او هستم. پدرم هم سال‌ها پیش فوت کرد. با این حال در این مدت سعی کردم روابط بین عروس و مادرشوهر را کنترل و مدیریت کنم ولی همسرم بهانه‌گیری می‌کرد و مرتب سعی داشت با مادرم لجبازی کند. کارهای او باعث شد زندگی‌مان به میدان جنگ تبدیل شود. هرچه سعی کردم با او صحبت کنم تا با مادرم بیشتر مدارا کند، فایده‌ای نداشت. هر روز بیشتر بهانه‌گیری می‌کرد تا این که مادرم مریض شد و تا پای مرگ رفت. تصور می‌کردم این اتفاق باعث شود تا همسرم کمی رفتارش را اصلاح کند ولی باز هم فایده‌ای نداشت. به محض این که مادرم سلامتیش را به دست آورد، همسرم هم بهانه‌گیری‌هایش شروع شد. من هم دیگر طاقت ندارم. الان بیشتر قدر مادرم را می‌دانم و نمی‌خواهم به خاطر بچه‌بازی‌های همسرم، مادرم را از دست بدهم. برای همین هم نمی‌خواهم دیگر در کنار این زن زندگی کنم. در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند ولی وقتی اصرار آنها را دید، رسیدگی به پرونده را به جلسه آینده موکول کرد.

عروس جوان وقتی مادرشوهرش از حالت کما خارج شد و سلامتیش را به دست آورد، راهی دادگاه خانواده تهران شد تا برای همیشه از شوهرش جدا شود. او که مدت‌ها بود با مادرشوهر و شوهرش اختلاف داشت، پس از گذراندن دوره بیماری مادرشوهرش، تصمیم به جدایی گرفت. این زن وقتی روبه‌روی قاضی دادگاه خانواده قرار گرفت، درباره ماجرای زندگی‌اش گفت: سه سال است ازدواج کرده‌ام ولی از همان روزهای اول اختلافات من و شوهرم شروع شد. مادرشوهرم در زندگی‌مان دخالت‌های زیادی می‌کرد. هر روز به خاطر او دعوا داشتیم. از آنجا که با هم در یک ساختمان زندگی می‌کردیم، آرامش نداشتیم. شوهرم هم مرتب از مادرش دفاع می‌کرد و فقط به حرف‌های او گوش می‌کرد. من برایش هیچ اهمیتی نداشتیم. مرتب می‌گفت باید هرچه مادرم می‌گوید گوش کنی و مخالفت نکنی. خیلی سعی کردم مدارا کنم ولی فایده‌ای نداشت. تا این که تصمیم به جدایی از شوهرم گرفتم. دعوای ما خیلی زیاد شده بود و زندگی خوبی نداشتیم اما همین که تصمیم به جدایی گرفتیم، مادرشوهرم تصادف کرد و به کما رفت. شوهرم بعد از آن حال و روز خوبی نداشت. افسرده شده بود و به خاطر مادرش خیلی غصه می‌خورد. من هم دلم نیامد در آن وضعیت شوهرم را تنها بگذارم. کنارش ماندم و موضوع طلاق را بی‌خیال شدم.



## پیشنهاد هفته

## یک کارآگاه و دو پرونده



میرا هل ایست تاون

سال: ۲۰۲۱

نویسنده: برد اینگلسبی

کارگردان: کریگ زوبل

**بازیگران:** کیت وینسلت، جولیان نیکلسون، جین اسمارت، گای پیرس  
**خلاصه‌قصة:** در این سریال کوتاه و ۷ قسمتی شبکه‌ای بی‌اوداستان کارآگاه پلیسی را می‌بینیم که هم‌زمان با رفع و رجوع یک بحران خانوادگی، باید پرونده قتل یک دختر را هم به سرانجام برساند. کیت وینسلت برای بازی خوبش در این سریال برنده جایزه گلدن گلوب بهترین بازیگر زن شد.

تلاش میر برای حل پرونده قتل دختری ۱۷ ساله در شهری کوچک آن‌هم در سریع‌ترین زمان ممکن در ترکیب باکوشش او برای جلوگیری از فروپاشی خانواده، به اراده‌ای فوق‌العاده نیاز دارد که این دوا به خوبی در بازی و چهره و حس و حال وینسلت نمایان است. ناکامی قبلی میر در حل یک پرونده آدم‌ربایی، فشار بیشتری را هم بر او تحمیل می‌کند تا عیار قهرمان قصه در موقعیت‌ها و بزنگاه‌های مختلف خانوادگی و اجتماعی محک بخورد. برخلاف برخی نمونه‌های وطنی که اصرار به بی‌نقص بودن پلیس و دستگاه انتظامی در برخورد با مجرمان و قانون‌شکنان دارند، اثر موفق‌تری چون میرا هل ایست تاون، در این زمینه و به صورت ظاهری امتیاز می‌دهد تا پلیس قصه در نهایت موفقیت و اعتبار بیشتری کسب کند. از این رو وجود نقطه‌ضعف در شخصیت پلیس به نقطه قوت بدل می‌شود و مجموع آسیب‌ها و نقاط لغزش میر، اگرچه در ابتدا به چالش‌های اساسی او دامن می‌زند اما در ادامه باعث می‌شود قهرمان زخم‌خورده قصه برای غلبه بر آنها تلاش کند و به موفقیت برسد.

آن فداکاری تاریخی جک که با مهیا کردن تخته پاره‌ای رز را از غرق شدن نجات می‌دهد، کارگر افتاد. انگار تقدیر این بود که بازیگر رز نجات پیدا کند تا سال‌ها بعد و در نقش‌های مختلف بدرخشد. راستش با این که لئوناردو دی‌کاپریو هم چه قبل و چه بعد از تایتانیک در برخی نقش‌ها درخشید، اما به نظر آن «بازیگر بهتر» کیت وینسلت بود که بالا رفتن سن و سال، نه تنها باعث افت نقش آفرینی‌اش نشد بلکه حتی در سال‌های اخیر، در نقش‌هایی سخت و پیچیده مهارتش در بازیگری را به رخ کشید، از جمله مادر فداکار و اهل ملاحظه در «میلدرد پیرس» و نقش میر (ماریان شیپان) در «میرا هل ایست تاون» که اتفاقاً اینجا هم مادری است که در مواجهه با فرزندان و خانواده‌اش چالش‌هایی اساسی پیش رو دارد. مضاف بر اینکه هم‌زمان با گرفتاری خانوادگی، او به عنوان یک کارآگاه پلیس وظیفه رسیدگی به یک پرونده قتل را هم به عهده می‌گیرد.



علی رستگار

روزنامه‌نگار